

خسارت تأخیر تأدیه در تسهیلات بانکی

ایوب میری^۱

محمد رحمتی^۲

چکیده

امروزه بخش عمده‌ای از پرونده‌های متشکله در دادگاه‌ها مربوط به مطالبات بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری است و آن‌چه در روابط مالی میان بانک و مشتری در پرداخت تسهیلات و اخذ بهره در زمان جای توجه دارد، سوء استفاده از قراردادهای بانکی و تخلف از عقد مضاربه به عنوان عقدی شرعی است که به اتکای حمایت‌های قضایی، اخذ چندین باره‌ی خسارت تأخیر تأدیه را توجیه می‌نماید. این نوشتار به بررسی پذیرش این نوع مطالبات در رویه قضایی ایران و ایرادهای وارد بر آن می‌پردازد.

واژگان کلیدی: خسارت تأخیر تأدیه، سود پس از سررسید، بانک، موسسات

مالی و اعتباری.

۱. کارشناس ارشد حقوق، مدیر دفتر شعبه‌ی اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایوان.

۲. کارشناس ارشد حقوق، دادیار شعبه‌ی دوم دادرای عمومی و انقلاب شهرستان ایوان.

درآمد

قراردادهای بانکی در تمامی انواع تسهیلات، سه رکن عمده، اصل،^۱ سود^۲ و خسارت تأخیر تأدیه را تعریف کرده است. میزان تسهیلات اعطایی و سود آن به صراحت در قرارداد تصریح می‌شود، اما تقویم میزان دقیق خسارت دیرکرد در قرارداد ممکن نیست و تابع ظرف زمانی تخلف وام‌گیرنده است. موضوع این نوشتار، رویه‌ی بانک‌ها در انحراف از قاعده‌ی محاسبه‌ی تأخیر تأدیه و تخلف از عقود شرعی معین در قراردادهای است. مطالبه و اخذ دوباره و چندباره‌ی خسارت تأخیر تأدیه از خوانندگان دعاوی مطالبه‌ی تسهیلات بانکی و عدم قابلیت انطباق خسارت تأخیر تأدیه مورد لحوق قراردادهای بانکی در قالب عقود شرعی، آثار مخربی بر اقتصاد بر جای خواهد گذاشت.

۱. طرح مسأله

یکی از راه‌های کنترل بازپرداخت بدهی افراد به بانک‌ها در نظام ربوی، تمدید مدت بدهی با نرخ بهره‌ی جدید یا گرفتن درصدی به صورت جریمه‌ی دیرکرد است. چنانچه شخص بدهی خود را در سررسید نپردازد، بانک درصدی را به صورت جریمه‌ی دیرکرد اخذ می‌کند. مواد ۷۱۹ تا ۷۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ پرداخت خسارت تأخیر تأدیه به میزان دوازده درصد برای یک سال را مورد پذیرش قرار داده بود. با پیروزی انقلاب اسلامی و روند اسلامی شدن قوانین، از جمله اقدام‌های اساسی در نظام بانکداری ایران، نفی نظام بانکداری ربوی بود. حرمت ربا باعث شد تا کوشش‌هایی در جهت حذف ربا از بانک‌ها صورت گیرد. (مهرپور، ۱۳۷۱، ج ۳: ۱۹۳ و ۱۹۸) پس از آن بانک‌ها برای جلب مشارکت مردم و ترغیب مشتریان به بازپرداخت بدهی، خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه نمی‌کردند و نرخ بهره را به صورت کارمزد تا چهار درصد کاهش دادند. اجرای شکل جدید بانکداری، به تدریج مشکلاتی را جلوه‌گر ساخت. حذف ربا و جریمه‌ی تأخیر بدهی، باعث شد تا افراد بد حساب با استفاده از موقعیت به دست آمده، در پرداخت بدهی خود به بانک‌ها کوتاهی کنند و

۱. مقصود وام است.

۲. سود و سود پس از سررسید.

نظام بانکی را ناکارآمد سازند.^۱

سوءاستفاده‌ی برخی افراد در بازپرداخت بدهی و بروز مشکلات اجرایی و مالی در بانک‌ها، باعث شد شورای پول و اعتبار برای رفع مشکل، در پی قانونی کردن اخذ جریمه‌ی دیرکرد و تأیید شرعی آن برآید؛ از این رو طرحی را تهیه کرد که در آن بدهکار به صورت شرط می‌پذیرفت که اگر بدهی را در سررسید نپردازد، جریمه را بدهکار شود. شورای نگهبان نیز تصویب کرد^۲ که اگر وام گیرنده به صورت شرط بپذیرد که در صورت نپرداختن بدهی در سررسید، مبلغی معادل دوازده درصد مانده‌ی بدهی برای هر سال را به بانک بپردازد، گرفتن آن مبلغ جایز است.^۳ از این رو با قرارگرفتن موضوع به صورت شرط ضمن عقد،^۴ مشکلات قراردادهای منعقد شده از سال تأیید این قانون (۱۳۶۲) به بعد رفع شد.^۵

در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، پرداخت خسارت تأخیر تأدیه اعاده شد و ماده‌ی ۵۲۲^۶ به این موضوع اختصاص یافت. طبق این ماده، مطالبه‌ی خسارت تأخیر تأدیه از زمان سررسید تا هنگام تصفیه، در صورتی ممکن است که شاخص قیمت‌ها تغییر فاحش پیدا کرده باشد. به عبارت دیگر، نرخ تورم از زمان سررسید تا زمان پرداخت به حدی باشد که عرفاً قابل مسامحه نباشد. پس اگر نرخ تورم تغییر پیدا نکرده باشد یا این که تغییر منفی بوده یا به حدی کم باشد که عرفاً قابل مسامحه تلقی شود، بدهکار متعهد به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه نخواهد بود.^۷ هم‌چنین شورای نگهبان مطالبه‌ی

۱. برای تفصیل بحث درباره‌ی سیر قوانین در این زمینه، بنگرید به: شفیعی سروسستانی، ۱۳۷۴، ۳۶۶-۳۵۰؛ درویشی: ۱۳۷۸: ۷۶-۷۷.

۲. روزنامه‌ی رسمی جمهوری اسلامی ایران، ش ۷۷۴۲، مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۸. به نقل از: سلطانی رنایی، ش ۶: ۷.

۳. روزنامه‌ی رسمی جمهوری اسلامی ایران، ش ۱۱۳۰۱، مورخ ۱۳۶۲/۹/۲۲. به نقل از: ش ۶: ۲.

۴. نمونه‌ی قراردادهای بانک ملی، ماده‌ی ۱۲ قرارداد مضاربه بازرگانی (در قبال تعهد شخص ثالث): «... در صورت تأخیر در پرداخت سرمایه ... با انقضای سررسید قرارداد، مبلغی بر ذمه عامل تعلق خواهد گرفت ...»

۵. روزنامه‌ی رسمی جمهوری اسلامی ایران، ش ۱۳۱۸، مورخ ۱۳۶۹/۳/۱۳.

۶. «در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد، محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد، مگر این که طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند.»

7. See: <http://www.shareh.com/persian/magazine/figh/50/06.htm>

خسارت تأخیر تأدیه بانک‌ها را بر اساس شرط طرفینی صحیح تلقی کرده و ذیل ماده‌ی ۵۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی به صورت عام مطرح کرده است که چنانچه قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد، برابر قرارداد رفتار خواهد شد.^۱ به نظر می‌رسد در صورت وجود قرارداد خصوصی بین طرفین راجع به میزان و نحوه‌ی پرداخت خسارت تأخیر تأدیه، خسارت تأخیر تأدیه بر اساس توافق طرفین باید تعیین شود (سلطانی رنانی، پیشین: ۲۳).

۱. مصادیق سوء استفاده‌ی بانک‌ها در محاسبه‌ی خسارت تأخیر تأدیه

رویه‌ی بانک‌ها در اعطای تسهیلات و اخذ خسارت تأخیر تأدیه به گونه‌ای است که می‌تواند مصادق «سوء استفاده» تلقی شود. مصادیق سوء استفاده در این قسمت مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱- عدم ارائه‌ی اطلاعات جامع و شفاف پیش از اعطای تسهیلات: اطلاع‌رسانی به مشتریان بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری، پیش از تنظیم قرارداد در خصوص نحوه‌ی محاسبه‌ی سود یا خسارت تأخیر تأدیه ضروری است، اما در عمل، صرفاً در خصوص زمان بازپرداخت اقساط اطلاعاتی در اختیار مشتری نهاده می‌شود، اطلاعات در خصوص میزان وام دریافتی و تعداد اقساطی که باید در مواعد معین پرداخت شود از طریق دفترچه‌ی پرداخت ماهیانه‌ی اقساط به وام‌گیرنده ارائه می‌شود و مشتری از تعهد خود به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه مطلع نمی‌شود.

۲- ماهیت انکارشده الحاقی و ایقاعی قراردادهای بانکی و عقود منضم به آن: امروزه وام به مثابه کالای لوکس اقتصادی است و دسترسی به آن مستلزم بوروکراسی شدید است. نیاز شدید متقاضیان تسهیلات موجب می‌شود ضمن سکوت در مقابل شرایط قرارداد، رضایت آن‌ها در این زمینه به نوعی همراه با اکراه باشد.

علاوه بر سوء استفاده‌ی ناشی از دگرگونی مستتر ماهیت عقود و قراردادهای بانکی، پرداخت وام به مشتری، مستلزم سپرده‌گذاری اجباری وام‌گیرنده نزد همان بانک به صورت بلند مدت است، اما از آن‌جا که موضوعات فاقد محمل و مبنای قانونی

۱. علت این که از این بخش از ماده‌ی ۵۱۵ نمی‌توان به طور قاطع در مورد خسارت تأخیر تأدیه استفاده کرد، این است که ماده‌ی ۵۱۵ مربوط به خسارت ناشی از قرارداد است و مربوط به خسارت ناشی از تأخیر تأدیه نمی‌باشد.

است، هنگام محکومیت اشخاص در دادگاه، به ویژه در محاسبه‌ی خسارت تأخیر تأدیه، مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در مقابل سودی که به تسهیلات اعطایی تعلق می‌گیرد، در لفاف عناوینی چون فروش اقساطی پنهان می‌ماند.

۳- مطالبه‌ی چندین باره‌ی خسارت تأخیر تأدیه از سوی بانک: بانک‌ها در ستون خواسته در دادخواست، مبلغی را به عنوان اصل خواسته که شامل کل بدهی، سود و خسارات است، قید نموده و مجدداً مبلغی را به عنوان خسارت تأخیر تأدیه مطالبه می‌کنند، محاکم نیز بر مبنای ارقام نگاشته شده و بدون احتساب واقعی خسارات، این موضوع را در حکم لحاظ می‌نمایند؛ زیرا در اکثر قراردادهای بانکی، طرفین حق هرگونه اعتراض و اختلافی را از خود سلب نموده‌اند. از این جهت دادگاه در ماهیت موضوع وارد نمی‌شود.^۱

طبق ماده‌ی ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا،^۲ قراردادهای بانکی صرفاً در موارد غیر اختلافی (میان بانک و اشخاص) در حکم اسناد لازم‌الاجرا تلقی می‌شود و سلب حق اعتراض از سوی اشخاص، نوعی تحمیل اراده‌ی بانک بر وام‌گیرنده است^۳ که می‌تواند اراده‌ی لازم در انعقاد عقد را مختل نماید.

گفته شد که در دادخواست‌های ارائه شده از سوی بانک، اصل وام، سود و سود پس از سررسید و خسارت تأخیر تأدیه، مورد مطالبه‌ی بانک قرار می‌گیرد. برای مشروع نمایی سود، در قرارداد مضاربه، آن را «سهم مشارکت بانک» می‌نامند.

۱. ماده‌ی ۱۷ قرارداد مضاربه بازرگانی (درقبال تعهد شخص ثالث): «... عامل ضمن عقد خارج لازم به تعاونی اعتبار حق و اختیار داد مطالبات خود را به استناد هر یک از مستندات طلب به تشخیص و صلاحدید خود استیفاء و وصول نماید و عامل حق هرگونه ایراد و اعتراض نسبت به اقدامات تعاونی اعتبار در این رابطه را از خود سلب و اسقاط نمود ...».

۲. ماده‌ی ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا اصلاحی ۱۳۶۵/۱۲/۲۸: «کلیه قراردادهایی که در اجرای این قانون مبادله می‌گردد، به موجب قراردادی که بین طرفین منعقد می‌شود، در حکم اسناد رسمی بوده و در صورتی که در مفاد آن اختلافی نداشته باشند، لازم‌الاجرا بوده و تابع مفاد آیین‌نامه اجرایی اسناد رسمی می‌باشند».

۳. ماده‌ی ۲۰ قرارداد مضاربه‌ی بازرگانی (درقبال تعهد شخص ثالث): «این قرارداد بر اساس توافق طرفین و برطبق ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا و اصلاحات و الحاقات قانونی آن بدون آن که در مفاد آن اختلافی باشد، لازم‌الاجراء بوده و تابع آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی می‌باشد و امضاء کنندگان قبول نمودند که کلیه مندرجات قرارداد را پذیرفته و نسبت به آن هیچ گونه اختلافی ندارند. عامل و متعهد/ متعهدین حق هیچ گونه ایراد و اعتراضی را نسبت به مفاد قرارداد ... از خود سلب و اسقاط نمودند ...».

اصطلاح سود پس از سررسید نیز به سودی اطلاق می‌شود که به ماخذ توافق شده در قرارداد بابت ایام پس از سررسید وام و در صورت عدم پرداخت آن در سررسید توسط مشتری، بدان تعلق می‌گیرد. خسارت تأخیر تأدیه یا خسارت دیرکرد نیز گاه در قرارداد قید می‌شود که غالباً میزان آن شش درصد است و یا آن که نسبت به آن سکوت می‌شود و در این صورت با تغییر فاحش در ارزش قیمت بر طبق شاخص سالانه‌ی بانک مرکزی محاسبه می‌گردد. فرض کنید شخصی بر اساس قرارداد فروش اقساطی، مبادرت به دریافت تسهیلات خرید وسایل و تأسیسات کشاورزی از بانک می‌نماید.^۱ این قرارداد، یک ساله و از نوع مضاربه‌ی تضمینی با سود دوازده درصد تنظیم می‌شود. چنانچه مبلغ تسهیلات پنجاه میلیون ریال باشد، سود یک ساله‌ی آن معادل مبلغ شش میلیون ریال است. اگر وام گیرنده ظرف دو سال پس از سررسید از پرداخت وام خودداری نماید و دادخواست مطالبه علیه وی اقامه شود، می‌بایست به ازای هرسال مبلغ شش میلیون ریال و به ازای دو سال دیرکرد مبلغ دوازده میلیون ریال به عنوان سود پس از سررسید و مجموعاً با احتساب یک سال بازپرداخت وام، مبلغ هجده میلیون ریال به عنوان سود و سود پس از سررسید پرداخت نماید. افزون بر آن، خسارت تأخیر تأدیه معادل شش درصد اصل بدهی پرداخت نشده از تاریخ سررسید تا تسویه‌ی کامل (دو سال) که معادل مبلغ شش میلیون ریال است برای وی لحاظ می‌شود.

اصل بدهی	۵۰۰۰۰۰۰ ریال
سود یک ساله‌ی تسهیلات بانکی تا زمان سررسید	ریال $6/000/000 = 6/000/000 \times 50/000/000 \times 12\%$
سود پس از سررسید تا تاریخ تسویه (در دو سال)	ریال $12/000/000 = 6/000/000 \times 2$
خسارت تأخیر تأدیه مربوط به بدهی پرداخت نشده از سررسید تا تاریخ تسویه (دو سال)	ریال $12/000/000 = 6/000/000 \times 2 \times 50/000/000 \times 12\%$
مجموع کل بدهی و خسارات که شخص ملزم به پرداخت به بانک است	۷۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۱. بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت استفاده در امور تولیدی و خدماتی، کالاهایی را تهیه و از طریق فروش اقساطی (بیع نسبه اقساطی) در اختیار متقاضیان قرار دهند. به این ترتیب کلیه کسانی که برای خرید این کالاها از طریق وام و اعتبار (سیستم بهره‌ای) اقدام می‌کردند، حال می‌توانند از طریق فروش اقساطی اقدام نموده، بهای آن را به طور اقساط به بانک پرداخت نمایند. (به نقل از: موسویان، ش ۲: ۹).

لذا بانک بایستی مبلغ پنجاه میلیون ریال اصل بدهی را در ستون خواسته در دادخواست اعلام کند، در حالی که در کلیه دادخواست‌های تقدیمی، بانک مبلغ کل بدهی و سود و خسارات را به عنوان اصل خواسته قید می‌کند و دادگاه نیز مبلغ مذکور را به عنوان اصل بدهی محسوب و مجدداً خسارات تأخیر تأدیه را نسبت به آن محاسبه و به انضمام هزینه دادرسی و حق الوکاله مبادرت به صدور حکم می‌نمایند.^۱ علت افزایش تقویم آن است که بانک با تحریف مفاد قرارداد بانکی و در واقع تحریف تفاهم به نفع خود، یک بار سود پس از سررسید را کاملاً محاسبه و مطالبه کرده و بار دیگر نیز خسارت تأخیر تأدیه را مجموعاً به مآخذ هجده درصد محاسبه و مطالبه می‌کند و در واقع دوازده درصدی که بابت سود پس از سررسید محاسبه شده، یک مرتبه دیگر به علاوه‌ی شش درصد خسارت تأخیر تأدیه محاسبه و مطالبه می‌شود و بدین ترتیب، بانک دوازده درصد مازاد بر خسارت تأخیر تأدیه را که در اغلب قراردادها شش درصد است، از مشتری دریافت می‌نماید و در واقع خسارت تأخیر تأدیه را سه بار اخذ می‌کند. در واقع آن چه باید مطالبه شود، اصل بدهی، سود، سود پس از سررسید و خسارت تأخیر تأدیه است. آن چه بانک مطالبه می‌کند اصل خواسته، خسارت تأخیر تأدیه به مآخذ مجموع و خسارت تأخیر تأدیه به میزان هجده درصد (در مثال فوق است) که قاعدتاً باید شش درصد باشد، ولی دوازده درصد مازاد محاسبه می‌شود.

فرض دیگری را بررسی می‌کنیم که وام گیرنده بخشی از بدهی خود را طی اقساطی پرداخت کرده است. شخصی مبلغ پنجاه میلیون ریال از بانک وام دریافت نموده که حسب قرارداد بایستی مبلغ پنجاه و شش میلیون ریال را به صورت اقساطی به بانک مسترد نماید. چنان چه وام گیرنده پس از پرداخت قسط دوم، از مفاد قرارداد تخلف کرده و قسط سوم در موعد پرداخت نشود و دو سال از سررسید بگذرد، وفق مفاد قراردادهای بانکی، در این فرض تمام دیون موجب حال می‌شود. در این جا آن چه که باید مورد مطالبه‌ی بانک واقع شود، اصل وام، سود پرداخت نشده طی یک سال و سود و خسارت تأخیر تأدیه نسبت به اصل وام پرداخت نشده از تاریخ

۱. لازم به ذکر است هزینه دادرسی و حق الوکاله به مآخذ اصل خواسته محاسبه می‌شود. لذا افزایش اصل خواسته، موجب افزایش آن‌ها و در نتیجه افزایش محکوم‌به خواهد شد.

سررسید است؛ در حالی که آن چه عملاً مورد مطالبه‌ی بانک یا موسسات مالی و اعتباری واقع می‌شود، عبارت است از اصل وام، و سود یک ساله‌ی مبلغ پنجاه و شش میلیون ریال، بدون احتساب مبالغ پرداخت شده (اعم از اصل و سود)، سود پس از سررسید و خسارت تأخیر تأدیه نسبت به کل مبلغ پنجاه و شش میلیون ریال است. بنابراین اقساط پرداختی در آن محاسبه نمی‌شود، بلکه این خسارات از تاریخ تخلف وام گیرنده و تقدیم دادخواست محاسبه و مطالبه می‌شود، نه از تاریخ سررسید.

بانک باید در محاسبه‌ی میزان بدهی شخص، مبالغ پرداخت شده را لحاظ نماید و خسارات تأخیر را نه از تاریخ تخلف، بلکه از تاریخ سررسید محاسبه و مطالبه نماید. به این شرح که ابتدا وجوه پرداخت نشده، (اعم از اصل و سود) را محاسبه می‌کنیم:

اصل بدهی	پنجاه میلیون ریال
سود یک ساله تسهیلات بانک تا سررسید	$\%12 \times 50,000,000 = 6,000,000$
مجموع بدهی وام گیرنده ظرف یک سال (در موعد)	ریال $6,000,000 + 50,000,000 = 56,000,000$
مبلغی که ماهیانه باید ظرف یک سال پرداخت شود	ریال $56,000,000 / 12 (\text{ماه}) = 4,666,000$
اقساطی که از سوی وام گیرنده ظرف دو ماه پرداخت شده است	ریال $4,666,000 \times 2 = 9,332,000$
اقساط باقی مانده که به لحاظ تخلف وام گیرنده حال شده است	ریال $56,000,000 - 9,332,000 = 46,668,000$

سپس سود پس از سررسید نسبت به اصل بدهی که بر ذمه‌ی وام گیرنده باقی است و ظرف یک سال پرداخت نشده است را بدون احتساب سود یک ساله محاسبه می‌کنیم. لذا باید دوازده درصد از اصل بدهی یعنی پنجاه میلیون ریال با کسر مبالغی که ظرف دو ماه پرداخت شده است را بدون احتساب سود در نظر گیریم.

اصل بدهی	ریال ۵۰۰۰۰۰۰۰
مبالغی از اصل بدهی که ظرف دو ماه پرداخت شده است.	ریال $۸۳۳۳۰۰۰ = (۱۲ \text{ ماه}) / (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) \times ۲$
اقساطی که پرداخت نشده است	ریال $۴۱۶۶۷۰۰۰ = ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ - ۸۳۳۳۰۰۰$
سود پس از سررسید (برای دو سال تخلف وام گیرنده)	ریال $۱۰۰۰۰۰۸۰ = (۴۱۶۶۷۰۰۰ \times ۱۲\%) \times ۲$

سپس خسارت تأخیر تأدیه را از تاریخ سررسید، نسبت به اصل بدهی که پرداخت نشده و بر ذمه‌ی وام‌گیرنده است، بدون احتساب سود محاسبه می‌کنیم. لذا مانند مورد قبل، شش درصد از اصل بدهی با کسر مبالغ پرداختی را در نظر می‌گیریم:

اصل بدهی پرداخت نشده ظرف یک سال	ریال ۴۱۶۶۷۰۰۰
خسارت تأخیر تأدیه ظرف دو سال (با نرخ ۶٪ در سال)	$۵۰۰۰۰۴۰ = (۴۱۶۶۷۰۰۰ \times ۶\%) \times ۲$

در نهایت کل مبالغ فوق را جمع می‌کنیم:

اقساطی که به لحاظ تخلف وام‌گیرنده حال شده است	ریال ۴۶۶۸۰۰۰
سود پس از سررسید (برای دو سال تخلف وام‌گیرنده)	ریال ۱۰۰۰۰۰۸۰
خسارت تأخیر تأدیه ظرف دو سال	ریال ۵۰۰۰۰۴۰
مجموع کل بدهی، سود و خسارات که شخص ملزم به پرداخت است	ریال ۶۱۶۸۱۲۰

در اکثر دادخواست‌ها مشاهده می‌شود که بانک مبلغ هفتاد و چهار میلیون ریال را به عنوان اصل خواسته در دادخواست قید می‌کند.^۱ یعنی مبالغ پرداختی از

۱. پرونده‌ی شماره‌ی ۹۰/۱۸۱ شعبه‌ی اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایوان

سوی وام گیرنده، اعم از اصل و سود ظرف دو ماه اول در آن قید و محاسبه نشده و از الگوی مثال پیشین تبعیت می‌شود. همچنین دادگاه مجدداً آن را اصل بدهی تلقی کرده و وام گیرنده را به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه به مأخذ قرارداد و در صورت سکوت قرارداد، به مأخذ نرخ تورم سالانه‌ی بانک مرکزی جمهوری اسلامی از تاریخ سررسید تا تاریخ تسویه محکوم می‌کند؛ در حالی که طبق ماده‌ی ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، خسارت تأخیر تأدیه ضمن شرط در قرارداد، باید مقید به مبلغ و درصدی مشخص باشد و در صورت سکوت، در صورت تغییر فاحش قیمت و تمکن وام گیرنده، باید طبق شاخص بانک مرکزی محاسبه شود. بانک می‌بایست مبالغ پرداخت شده از سوی وام گیرنده را از بدهی وی کسر نموده و در بدهی حال شده‌ی وی که شامل اصل و سود است، این موضوع لحاظ شود. همچنین سود پس از سررسید، با هر درصدی بایست نسبت به اصل بدهی پرداخت نشده محاسبه شود. خسارت تأخیر تأدیه نیز باید نسبت به اصل بدهی پرداخت نشده محاسبه گردد؛ زیرا این نوع خسارت به دیونی که سررسید آن‌ها فرا رسیده، تعلق می‌گیرد. همچنین خسارت تأخیر تأدیه به اصل وام تعلق می‌گیرد، نه سود احتساب شده. افزون بر آن، خسارت تأخیر تأدیه، دو یا چند مرتبه محاسبه می‌شود و تاریخ محاسبه‌ی خسارات، از تاریخ سررسید است، نه تاریخ تخلف وام گیرنده در ماه دوم؛ در حالی که بانک‌ها خسارات را از تاریخ تخلف محاسبه می‌کنند.

۲. مصادیق تسامح محاکم در دعاوی مربوط به مطالبات بانکی

دادگاه‌ها در صدور حکم نسبت به دادخواست‌های تقدیم شده از سوی بانک‌ها به برخی الزامات توجه ندارند:

۱- عدم دقت در میزان مطالبه‌ی خسارت تأخیر تأدیه: در مفاد قرارداد شرط شده که اعلام بانک در خصوص میزان خواسته، منوط عمل قرار گیرد و حق اختلاف با بانک در این خصوص ساقط شده تلقی می‌شود. دادگاه‌ها از توجه به ایراد خوانده و مستندات ابرازی وی، با توجیه قراردادی، خودداری می‌نمایند. همچنین عدم توجه به میزان خسارت تأخیر تأدیه‌ی مورد مطالبه‌ی بانک‌ها و عدم تفکیک اصل خواسته و سود و نیز عدم تفکیک سود پس از سررسید از خسارت تأخیر تأدیه مشهود است.

هر چند ممکن است این موضوع نیز از توافق قراردادی طرفین نشأت گرفته باشد، اما مخالف تعریف مسلم خسارت تأخیر تأدیه است.

۲- عدم توجه به دفاعیات خواننده و ایرادات مطرح شده: از جمله‌ی این ایرادها، انکار امضای ذیل قرارداد مستند ماده‌ی ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا است؛ این ماده قراردادهای بانکی را غیر قابل انکار و در حکم اسناد رسمی لازم‌الاجرا می‌داند؛ یعنی در فرض انکار امضای ذیل سند، اسناد مذکور از زمره‌ی اسناد لازم‌الاجرا خارج شده و دادگاه می‌بایست انکار خواننده را وارد تلقی نموده و بار اثبات آن را به خواهان موکول کند. همچنین میزان واقعی دین معمولاً به لحاظ ارجحیت قراردادی اراده‌ی خواهان در تعیین و تقویم میزان خواسته، به کارشناس ارجاع نمی‌شود و مجال تضییع حقوق خواننده از این حیث نیز فراهم است.

۳. شروط مندرج در عقود قراردادهای بانکی

از جمله عقود منشأ قراردادهای بانکی، عقد مضاربه است، ماده‌ی ۵۴۶ قانون مدنی، مضاربه را عقدی می‌داند که به موجب آن، احدی از متعاملین، سرمایه در اختیار دیگری قرار می‌دهد با قید این که طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشند. صاحب سرمایه، مالک و طرف دیگر عامل (مضارب) نامیده می‌شوند (مدنی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۳۸). ولی آن چه در تسهیلات اعطایی از سوی بانکها، مبنای عقد مضاربه قرار می‌گیرد، به صورتی کاملاً متفاوت به نفع بانکها تحریف می‌شود؛^۱ به این شرح که بانکها طی قراردادی به عنوان مضاربه، مبلغی پول در اختیار اشخاص قرار می‌دهند تا ظرف موعد شش ماهه یا یک ساله با آن تجارت کنند، ولی سود حاصل از تجارت، قبلاً از سوی بانک محاسبه و مفروض انگاشته شده و بر وام گیرنده به عنوان عامل تحمیل می‌شود^۲ که ظرف زمانی مذکور، می‌بایست این میزان سود

۱. در قراردادهای بانکی، از مضاربه تحت عنوان «قرارداد مضاربه‌ی بازرگانی داخلی در قبال قرار شخص ثالث» یاد می‌شود.

۲. نمونه‌ی قراردادهای بانک ملی، ماده‌ی ۲ قرارداد مضاربه‌ی بازرگانی (در قبال تعهد شخص ثالث): «... در هر صورت تشخیص و محاسبه میزان خسارت وارده به تعاونی اعتبار ناشی از تخلف عامل از مفاد این قرارداد با تعاونی اعتبار است و عامل ضمن عقد خارج لازم، حق هرگونه ایراد و اعتراض نسبت به اقدامات تعاونی اعتبار را از خود سلب و اسقاط نمود ...».

که معادل درصدی از اصل سرمایه است، از تجارت وی حاصل شود، اما معمولاً در اکثر قراردادهای مضاربه، تعیین میزان درصد بر حسب توافق، برعهده‌ی بانک‌ها نهاده شده است،^۱ که اغلب نرخ دوازده درصد از اصل سرمایه برای احتساب سود مفروض در نظر گرفته می‌شود. البته این درصد هم در قرارداد درج نمی‌شود و به سکوت گذاشته می‌شود و آن‌گاه کل سود مفروض به همراه اصل سرمایه به بانک مسترد می‌شود، بدون آن‌که، عامل درصدی از سود را دریافت نماید. درصدی که در قرارداد مضاربه به عنوان سهم عامل در نظر گرفته می‌شود، معمولاً درصدی صوری است که مبنای احتساب سود واقعی قرار نمی‌گیرد، چون در احتساب آن ارزیابی و کارشناسی صورت نمی‌گیرد و تبیین این عقد در قراردادهای بانکی، آن هم با این شرایط که از فلسفه‌ی اصلی و مبانی شرعی خود فاصله‌ی زیادی دارد، صرفاً قالبی صوری برای دریافت بهره از متقاضیان وام است؛ چرا که عامل نیز باید از سود در نظر گرفته شده سهمی ببرد؛ ضمن این‌که در صورت زیان در تجارت، بانک نیز باید در تحمل ضرر سهیم باشد؛ در حالی که بانک‌ها قرارداد را قطعاً سودآور تلقی می‌کنند.^۲

۳-۱. اعطای اختیار اعلام میزان خواسته به بانک

در اکثر قراردادهای بانکی، شرط می‌شود مبلغی که بانک به عنوان خواسته ذکر می‌کند، اصالت و صحت دارد و حق اختلاف با بانک از حیث میزان خواسته از وام گیرنده ساقط می‌شود،^۳ بر این اساس حتی اقساط پرداختی نیز قابلیت کسر از

۱. ماده‌ی ۱۲ قرارداد مضاربه بازرگانی (در قبال تعهد شخص ثالث): «... هرگاه سود قابل محاسبه نباشد، ولی به تشخیص تعاونی اعتبار به مقداری از کار متوسط عامل انجام شده باشد، تعاونی اعتبار اجرت عامل را به تشخیص خود محاسبه و به وی پرداخت خواهد نمود و عامل از بابت میزان اجرت محاسبه شده توسط تعاونی اعتبار حق هر گونه اعتراض و ادعایی را از خود ساقط نمود».

۲. ماده‌ی ۱۰ قرارداد مضاربه‌ی بازرگانی (در قبال تعهد شخص ثالث): «عامل ضمن عقد خارج لازم قبول نمود و متعهد گردید که چنان‌چه به اصل سرمایه تعاونی اعتبار خسارت و یا نقصانی وارد شود، آن را از اموال خود جبران و مجاناً و بلاعوض پرداخت نماید».

۳. ماده‌ی ۱۷ قرارداد مضاربه‌ی بازرگانی (در قبال تعهد شخص ثالث): «... عامل ضمن عقد خارج لازم به تعاونی اعتبار حق و اختیار داد مطالبات خود را به استناد هریک از مستندات طلب به تشخیص و صلاحدید خود استیفاء و وصول نماید و عامل حق هرگونه ایراد و اعتراض نسبت به اقدامات تعاونی اعتبار در این رابطه را از خود سلب و اسقاط نمود ...».

خواسته‌ی بانک را ندارد؛ حال آن‌که مفاد ماده‌ی ۱۹۰ قانون مدنی، قصد و رضای طرفین عقد را از شروط اساسی صحت معاملات می‌داند. لذا این سوال مطرح می‌شود که آیا سلب اراده‌ی وام‌گیرنده در عقدی چون مضاربه و در قالب شرطی که مبتین زوال تام اراده‌ی طرف مقابل است، به اساس عقد لطمه وارد نمی‌کند؟ آیا عقود معین لازم با اراده‌ی یک طرفه قابل تحقق است؟

۲-۳. سلب اختیار وام‌گیرنده ناشی از توافق

ماده‌ی ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا، قراردادهای بانکی را در موارد غیر اختلافی یعنی در صورت عدم اختلاف بین وام‌دهنده و وام‌گیرنده، در حکم اسناد لازم‌الاجرا تلقی کرده است، اما در اکثر قراردادهای بانکی قید می‌شود که طرفین، مفاد قرارداد را قبول کردند و هیچ‌گونه اختلافی نسبت به آن ندارند و حق هر گونه ایراد و اعتراضی نسبت به مفاد قرارداد را از خود سلب و اسقاط نمودند.^۱ در اینجا به این نکته اکتفا می‌شود که علاوه بر توافق خلاف قانون امری، سلب اختلافی که هنوز حادث نشده، قانونی نخواهد بود. افزون بر آن، سلب حق اعتراض نسبت به مفاد قرارداد، ظهور در جایگزین اراده‌ی وام‌دهنده به اراده‌ی وام‌گیرنده دارد. هم‌چنین اعطای کافه‌ی اختیارات، اعطای وکالت بلاعزل به بانک ضمن قرارداد برای وصول مطالبات خود از هریک از حساب‌های وام‌گیرنده، مطالبه‌ی عندالاراده‌ی مبلغ پرداختی توسط بانک حتی در صورت عدم حلول سررسید، پرداخت تمامی هزینه‌های کارشناسی و حق‌الوکاله و حقوق اجرایی و ثبتی توسط وام‌گیرنده، تعیین میزان و مدت تسهیلات و بازپرداخت آن توسط وام‌دهنده و موارد متعدد دیگر، دلالتی جز سلب اختیار وام‌گیرنده ندارد.

۱. ماده‌ی ۲۰ قرارداد مضاربه‌ی بازرگانی (در قبال تعهد شخص ثالث): «... امضاء کنندگان قبول نمودند که کلیه مندرجات قرارداد را پذیرفته و نسبت به آن هیچ‌گونه اختلافی ندارند. عامل و متعهد/ متعهدین حق هر گونه ایراد و اعتراضی را نسبت به مفاد قرارداد... از خود سلب و اسقاط نمودند ...».

یافته‌های پژوهش

بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری به لحاظ انحراف از فلسفه‌ی اصلی و مبانی شرعی عقود مانند مضاربه، ظاهراً از موضوع منتفع می‌شوند؛ اما ضرر مستقیم آن متوجه جامعه است. بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری با تنظیم قراردادهای بانکی به نفع خود و سوءاستفاده از خلأ قانونی موجود و در پرتو حمایت‌های قضایی و نیاز اشخاص به اخذ تسهیلات، در زمان تخلف اشخاص از پرداخت اقساط، مبادرت به اخذ خسارات بیش از میزان واقع می‌نمایند. این موضوع آثار زیان‌باری، از جمله توقف چرخه‌ی فعالیت‌های اقتصادی، شکست پروژه‌های نوپای اقتصادی، امکان بازداشت بدهکاران و تسلط فعالیت‌های ربوی بر روابط اقتصادی در پی دارد.

فهرست منابع

- ۱- مهرپور، حسین، *مجموعه نظریات شورای نگهبان*، جلد سوم، تهران، کیهان، ۱۳۷۱.
- ۲- رضایی، مجید، «بررسی فقهی - حقوقی جریمه تأخیر»، فصل نامه‌ی اقتصاد اسلامی، شماره‌ی ۶، تابستان ۱۳۸۱.
- ۳- سلطانی رنانی، مهدی، «نگاهی تطبیقی به جبران (خسارت تأخیر تأدیه) در فقه و حقوق»، مجله‌ی فقه، شماره‌ی ۶، پاییز ۱۳۸۴.
- ۴- مدنی، سیدجلال الدین، *حقوق مدنی (عقود معین)*، جلد پنجم، تهران، پایدار، چاپ نهم، ۱۳۸۹.
- ۵- موسویان، سیدعباس، «تبیین فقهی بانکداری بدون ربا»، فصل نامه‌ی فقه و حقوق، شماره‌ی ۲، پاییز ۱۳۸۳.
- 6- <http://www.shareh.com/persian/magazine/figh/50/06.htm>